

A Comparative Study of the Conformity of Goods in Sale in Iranian Law and International Documents

Abstract :

The complexity of "relationships" in the field of private law, especially "transactions", is an issue that can not be ignored today. Countless transactions are made daily, some of which are not done properly. Non-compliance of the goods subject to the transaction with the foreseen conditions, including sales, which causes disputes between the parties and imposes certain legal effects on the seller, buyer and even third parties. Certain rules and procedures are set out in Iranian law and in the international law community, such as the 1980 Vienna International Convention, which is often recognized as the only international instrument relating to sale. The results of this study showed that in general, the commonalities of domestic law with the Convention are more than its disputed aspects and obstacles. In Iranian law, the surrender of the buyer in accordance with the contract in terms of quantity, depending on whether the subject of the transfer is specific or general, will have different conditions and enforcement guarantees, while the convention generally provides a rule. Such as quantity, quality, ...) The Convention sets supplementary and non-contractual criteria for determining the conformity of goods with the contract and considers the seller responsible and for this also considers the existence of a series of substantive conditions necessary, but in Iranian law if a specific purpose in If the contract is not stated, merely informing the seller will not make him responsible.

Keywords: Conformity of goods, specific object, Vienna Convention, Iranian law, sale of goods

مطالعه تطبیقی تطابق کالا در بیع در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۱۳/۷/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲/۶/۱۴۰۱

خسرو ابراهیمی^۱

بهشید ارفع‌نیا^۲

علی آل‌بویه^۳

چکیده:

وضع پیچیده «روابط» در حوزه حقوق خصوصی علی‌الخصوص «معاملات» موضوعی است که امروزه نمیتوان آن را نادیده گرفت. معاملات بیش‌ماری روزانه انجام می‌پذیرد که پاره‌ای از آنها به درستی انجام نمی‌شود. عدم انطباق کالای موضوع معامله با شرایط پیش‌بینی شده از جمله بیع‌هایست که باعث بروز اختلاف میان طرفین شده و آثار حقوقی خاصی را بر فرودهنده، خریدار و حتی اشخاص ثالث تحمیل میکند. قوانین و رویه‌های مشخصی در حقوق ایران و جامعه حقوق بین‌المللی نظیر کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۸۰ وین که غالباً آنرا تنها سند بین‌المللی مرتبط با بیع می‌شناسند ارایه شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بطور کلی، وجوه اشتراک حقوق داخلی با کنوانسیون بیشتر از جنبه‌های اختلاف‌انگیز و موانع آن می‌باشد. در حقوق ایران تسلیم مبیع مطابق با قرارداد از حیث کمیت بر حسب اینکه موضوع انتقال عین معین باشد یا کلی، شرایط و ضمانت‌اجرایی متفاوتی خواهد داشت، در حالیکه کنوانسیون به طوری کلی قاعده‌ای مقرر نموده است. در صورت سکوت قرارداد در خصوص شرایط قراردادی (نظیر کمیت، کیفیت، ...) کنوانسیون ضوابطی تکمیلی و غیر قراردادی را برای تعیین مطابقت کالا با قرارداد مقرر نموده و بایع را مسئول می‌داند و برای اینکار نیز وجود یک سری شرایط ماهوی را نیز ضروری می‌داند، ولی در حقوق ایران اگر هدف خاصی در قرارداد بیان نشده باشد صرف اطلاع‌فروشنده باعث مسولیت وی نخواهد شد.

واژگان کلیدی: مطابقت کالا، عین معین، کنوانسیون وین، حقوق ایران، بیع کالا

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دوی، امارات. khelawyer@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) beh.arfania@iauctb.ac.ir

^۳ استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. dr.alebouyeh@yahoo.com

انطباق کالای موضوع معامله با شرایط پیشینی شده در قرارداد یکی از عناصر اصلی ایفای صحیح تعهدات قراردادی از جانب فروشنده تلقی شده و در صورت غیر منطبق بودن کالا با قرارداد، آثار حقوقی متفاوتی بر طرفین قرارداد و حتی اشخاص ثالث تحمیل میشود. از همین جهت، در حقوق ایران تلاش بر آن است که ابتدائاً از بروز چنین اتفاقاتی پیشگیری به عمل آید، بنابراین مقرراتی وضع شده که با بایع را مکلف می کند، کالای فروخته شده را با کالایی که به قبض مشتری میدهد، مطابقت داده و یکسان باشد. در مرحله بعد، پس از بروز پدیده عدم مطابقت کالای فروخته شده با کالای مقبوض توسط خریدار، مقرراتی وضع شده که آثار خاص این پدیده را بررسی نموده و تکلیف طرفین را در چنین بیعی، مشخص می نماید. لذا در حقوق ایران ابتدا تلاش میشود از بروز چنین پدیده‌های پیشگیری شود، در همین راستا به منظور حمایت از خریداران در عقد بیع و در قانون مدنی، ماده ۴۱۰ (خیار روئیت و تخلف وصف) و مواد بعدی، یعنی از ماده ۴۱۱ الی ۴۱۵ در رابطه با آثار خیار روئیت و عدم مطابقت کالا و ماده ۴۲۲ (خیار عیب) و مواد بعدی، یعنی مواد ۴۲۳ الی ۴۲۷ نیز آثار خیار عیب بررسی شده است.

علاوه بر حقوق ایران، عدم مطابقت کالا در عقد بیع، در کشورها و مجامع حقوقی بین المللی نیز مورد توجه بوده است. علی الظاهر مهمترین سند و البته تنها سندی که در سطح بین المللی به بیع میپردازد، کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین است (مافی و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس کنوانسیون وین و تفسیرهای آن، کالای فروخته شده میبایست دو نوع مطابقت با کالای قبض داده شده، داشته باشد که به ترتیب مطابقت مادی، و مطابقت حقوقی میباشد. در مطابقت مادی کالای تحویلی باید از نظر وصف، کمیت و کیفیت و بسته بندی مطابق با مفاد قرارداد باشد و در مطابقت حقوقی نیز کالا باید از مالکیت کامل بایع و حق فروش و انتقال مبیع، عدم مزاحمت ثالث، عدم ادعای ثالث بر منفعت یا عین برخوردار باشد.

امروزه در قرن ۲۱ با پیشرفتهای تکنولوژیکی، عقد بیع در مرزهای یک شهر یا یک کشور نمانده و اشخاص میتوانند به هر شخصی در هر نقطه ای از جهان، به صورت اینترنتی و برخط مبادرت به خرید و فروش نمایند. این مسأله اهمیت عقد بیع و همچنین افزایش پیچیدگی بیع را بیش از پیش می نمایاند. لذا با توجه به اهمیت و افزایش پیچیدگی های عقد بیع، لازم است که ابعاد مختلف آن و خصوصاً موضوع مطابقت کالا به درستی مورد بررسی قرار گیرد که تا حد امکان عقود بیع را مقرون به صحت نماید. زیرا چنانچه عقد بیع مقرون به صحت نباشد در اجرای آثار آن اشکالاتی بروز می کند که این اشکالات به صورت زنجیره وار، زمینه های متعدد حقوقی، قضایی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار میدهد. از اینرو مطالعه قوانین و رویه های جهانی و شناسایی نقاط ضعف، قوت و یا مشابهت و اختلاف آن با قوانین حقوق داخلی میتواند بستر مناسبی برای تصمیم گیری جهت الحاق به کنوانسیون های بین المللی و نهایتاً افزایش صحت معاملات داخلی و بین المللی ایران فراهم سازد. لذا هدف اصلی این پژوهش، انجام یک مطالعه تطبیقی دقیق و علمی در رابطه با موضوع در حقوق ایران و اسناد بین المللی است و البته باز شناسی نقاط قوت و ضعف حقوق ایران در رابطه با موضوع نیز از طریق همین مطالعه تطبیقی، دنبال میشود.

پژوهش حاضر به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است و اطلاعات آن به روش اسنادی و کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری جمع آوری شده است. در این مطالعه سعی میشود تا به این سوالات که: ماهیت عدم تطابق کالا و آثار عدم تطابق کالادر حقوق ایران و اسناد بین المللی چه بوده و وجوه افتراق ماهیت و آثار عدم تطابق کالادر حقوق ایران و اسناد بین المللی چیست، پاسخ های مناسبی ارائه شود.

۲- مطابقت کالا

۲-۱- مطابقت مادی

مفهوم مطابقت مادی در حقوق مابا مفهوم مطابقت مادی در کنوانسیون متفاوت است هر چند که شباهت هایی نیز دارد. در کنوانسیون هر نوع نقص و عیب کالا و یا نقض شروط قرارداد از مصادیق عدم مطابقت محسوب شده و ضمانت اجرای آن را دارد. به عبارت دیگر مفهوم مطابقت در کنوانسیون (برخلاف حقوق داخلی) بسیار وسیع بوده و یک مفهوم عام و کلی از مطابقت پذیرفته شده است، که شامل عیب (اعم از مخفی و آشکار) هر نوع نقص و تخلف از شرط صفت و همچنین موردی که کالایی از نوع دیگر تحویل شده باشد، می گردد. به عنوان مثال، «حقوق آلمان، بین ویژگی ها و اوصاف عادی کالای مورد معامله و اوصاف خاص آن تفاوت می گذارد. همچنین بین موردی که کالا از همان نوع قراردادی بوده، ولی او صاف آن با او صاف قراردادی منطبق نیست، با موردی که کالا از نوع دیگر است، تفکیک قایل شده است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۸۴).

در حقوق ایران نیز، مفهوم کلی و مطلق از مطابقت پذیرفته نشده است. ب. طوری که، از لحاظ ضمانت اجرایی عدم مطابقت، بین عیب مخفی و عیب ظاهر (ماده ۴۲۳ ق.م) و همچنین بین اوصاف اساسی (وصف جانشین ذات) با اوصاف غیر اساسی (مواد ۳۵۵، ۳۵۳ ق.م) تفاوت قایل شده است. البته، ضمانت اجرای ناشی از عدم مطابقت، در صورتی در اختیار خریدار قرار می گیرد، که وی در حین معامله از عدم مطابقت نا آگاه باشد (م ۳۶ ک). از این جهت عدم مطابقت در کنوانسیون، تا حدودی شبیه مفهوم عیب در حقوق ایران است. زیرا ضمانت اجرای ناشی از عیب کالا در صورتی قابل اعمال است که خریدار در حین انعقاد قرارداد از آن نا آگاه باشد. خواه عیب مخفی باشد یا آشکار (ماده ۴۲۶ ق.م)، ولی در حقوق ایران بین عیب و تخلف از وصف تفاوت وجود دارد و این دو از هم متمایزند (خیار عیب در ماده ۴۲۲ به بعد و خیار تخلف وصف در ماده ۴۱۰ قانون مدنی ذکر شده است. «عیب جنبه نوعی دارد و وابسته به انگیزه و هدفهای ویژه دو طرف نیست. به همین جهت وصف سلامت مبیع نیاز به شرط ندارد. منظور از عیب، هر نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد. و معیار عرف است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۴ ش، جلد ۱، ص ۲۷).

۲-۲- مطابقت حقوقی

در حقوق ما، مقررات صریحی در خصوص مطابقت حکمی مبیع با قرارداد وجود ندارد. ولی این شرط ضمنی در هر قراردادی با ماهیت تملیکی وجود دارد که فرو شنده باید مالک یا مجاز در انتقال مبیع باشد. در غیر این صورت، قانون این حق را به طرف زیان دیده می دهد، که نسبت به برهم زدن معامله اقدام کند. ماده ۲۴۷ ق.م اشعار می دارد که: «

معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت، وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد. ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آنرا اجازه نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می شود.

کنوانسیون نیز «مطابقت حکمی» را لازمه تحقق اصل انطباق مبیع با قرارداد قلمداد و در این خصوص مواضع صریحی را اتخاذ کرده است؛ اصل ۴۱ کنوانسیون مقرر می دارد: «بایع باید کالایی را که مصون از هر گونه حق یا ادعای شخص ثالث است، تسلیم نماید مگر اینکه مشتری راضی به دریافت کالایی باشد که موضوع حق یا ادعای شخص ثالث است. معهدا، هرگاه این حق یا ادعا ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی باشد، تعهدات بایع مشمول ماده ۴۲ خواهد بود».

بنابراین، از نظر کنوانسیون: اولاً، در موضوع مطابقت حقوقی کالا با قرارداد، بین حقوق و ادعاهای شخص ثالث نسبت به مبیع (غیر از مالکیت فکری) با حقوق و ادعاهای شخص ثالث نسبت به مالکیت فکری تفاوت گذارده شده است. و برای هر یک حکم ویژه ای پیش بینی نموده است.

ثانیاً، در صورتی که مشتری مبیع را با حق یا ادعای ثالث نسبت به آن قبول کند (حتی ادعای مالکیت) و به آن رضایت دهد، دیگر حق رجوع به فروشنده را ندارد.

۳- شرایط ماهوی تعهد مطابقت

۳-۱- معلوم نبودن عدم مطابقت برای مشتری

در اولین مرحله برای احراز عدم مطابقت مبیع، باید به قرارداد رجوع نمود، هر نوع قیدی که در خصوص مبیع در قرارداد آمده، باید رعایت شود و گرنه نقض، نقض قرارداد محسوب شده و ضمانت اجرایی عدم مطابقت را در پی خواهد داشت.

در حقوق ایران، مبیع با سه مشخصه، مقدار، جنس و وصف معلوم و مشخص می گردد. و غالباً این سه عنصر در قرارداد بیع ذکر می شود. ماده ۳۴۲ق.م مقرر می دارد: «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد...» حکم این ماده شامل عین معین و کلی است، منتهی، با این تفاوت که در صورتی که مبیع عین معین باشد، لزومی ندارد که کمیت و کیفیت مبیع در قرارداد ذکر شود و صرف علم متعاقدين به مبیع در حکم تصریح در عقد است. ولی جایی که مبیع کلی است، به دلالت ماده ۳۵۱ق.م بیع وقتی صحیح خواهد بود که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود. از این رو می توان گفت، در حقوق ایران عناصری را که براساس آن مطابقت یا فقدان مطابقت مبیع با قرارداد مورد ارزیابی قرار می گیرد، عبارت از مقدار، جنس و وصف است. هر چند، شایان ذکر است که هرگاه انگیزه های خاص مشتری از خرید کالا وارد قلمرو تراضی شود، از کیفیات مورد معامله محسوب شده، و در کنار کارآیی متعارف مورد معامله، از عناصر مطابقت به شمار می آید.

کنوانسیون، نیز در بند ۱ ماده ۳۵ خود حکم مشابهی در خصوص علم به مبیع دارد. به موجب این بند: «بایع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار و کیفیت از نظر جنس و وصف مقرر در قرارداد باشد و...». بنابراین به طور کل می توان

گفت، که به لحاظ احراز مطابقت مادی مبیع با قرارداد در هر دو نظام حقوقی فوق بایستی مبیع از لحاظ کیفیت (وصف و جنس) و نیز از لحاظ کمیت (مقدار) با قصد مشترک طرفین مقایسه گردد.

۳-۲- وجود عدم مطابقت قبل از انتقال ضمان

آنچه که مهم است و اهمیت دارد اینکه عدم مطابقت قبل از زمان ضمان معاوضی به خریدار وجود داشته باشد. اگر چه این عدم مطابقت بعد از آن زمان ظاهر شود. این راه حل مانند راه حلی است که در حقوق فرانسه راجع به عیوب مخفی انتخاب شده و خط مشی شورای بازار مشترک راجع به مسئولیت ناشی از تولیدات هم چنین از همین نوع است.

در اصل (۱) ۳۶ کنوانسیون چنین آمده است فروشنده بر طبق قرارداد و این کنوانسیون مسئول هرگونه عدم مطابقت کالا است که در زمان انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود دارد ولو اینکه عدم انطباق پس از آن زمان ظاهر شود. پس فروشنده مسئولیت هر نوع عدم مطابقت کالا را که در زمان انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود دارد، به عهده داشته حتی چنانچه این امر بعدا واضح گردد. کنوانسیون می خواهد این مطلب را برساند که عیوب موجود در زمانی که ضمان معاوضی به خریدار منتقل می شود، همیشه منجر به فقدان مطابقت کالا می شود. این حقیقت که عیوب خودشان بعدا ظاهر شوند مهم نیست.

در حقوق ایران دومین شرط از شرایط عیب این است که در زمان انعقاد عقد بیع موجود باشد. هرگاه در حین معامله کالا معیوب بوده و از این بابت ضرری متوجه مشتری شود با توجه به آنکه مشتری به تصور سالم بودن مبیع آن را معامله کرده، قانون برای جلوگیری از ضرر به او اجازه داده است که بتواند بیع را فسخ یا با قبول مبیع ارش بخواهد والا هرگاه عیب بعد از قبض مشتری در کالا حادث گردد این به عهده مشتری است بدان علت که عیب در ملک او حادث شده است. حال اگر عیب در زمان عقد موجود نبوده و پس از عقد و قبل از قبض مشتری حادث شده باشد در حکم عیب سابق است. ماده ۴۲۵ قانون مدنی در این زمینه مقرر می دارد عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود در حکم عیب سابق است؛ یعنی مشتری می تواند بیع را فسخ کند و با آن را قبول و اخذ ارش نماید. لذا میتوان گفت که این شرط در حقوق کنوانسیون و ایران یکسان است.

۳-۳- قابل انتساب بودن به فروشنده

عدم مطابقت کالا باید قابل انتساب به فروشنده باشد تا بتوان مشارالیه را مسئول شناخت. هرگاه به دلیل حوادث غیر مترقبه یا عمل خود مشتری در دوره ای که ضمان بر مشتری است عیبی در کالا موجود شود فروشنده مسئول آن نمی باشد. هرگونه عدم مطابقت کالا که در زمان انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود داشته باشد، قابل انتساب به بایع می باشد. عیبی که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انتقال ضمان ایجاب می شود، مسئولیت آن بر عهده بایع است البته دو نوع از عیوب هستند که بعد از انتقال ضمان معاوضی، فروشنده مسئول آنهاست که به ترتیب عیبی که ناشی از عدم اجرای یکی از تعهدات فروشنده بوده و موردی که شرط خاص تضمین در قرارداد به نفع مشتری وجود داشته، می باشند.

ماده (۱) ۳۶ کنوانسیون، در این زمینه می‌گوید: «بایع طبق قرارداد و این کنوانسیون، مسئول هر نوع عدم انطباقی است که در هنگام انتقال ضمان به مشتری وجود دارد هر چند که عدم انطباق پس از آن زمان آشکار شود». بنابراین اگر کالا مطابق قرارداد ارسال شود، و در جریان حمل آسیب ببیند، فروشنده ضامن نیست. اما اگر کالای آسیب دیده تحویل مشتری شود و معلوم گردد که از اول منطبق با قرارداد نبوده، فروشنده مسئول است.

در حقوق ایران نیز، مطابق مواد ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۴۲۵ قانون مدنی، فروشنده مسئول عیوب و نقایصی است که قبل از انتقال ضمان معاوضی کالا به مشتری در مبیع وجود داشته است. در صورتی که عیب مبیع بعد از انتقال ضمان حادث شود، فروشنده مسئول نیست. اما اگر عیب کالا بعد از انتقال ضمان واقع شده، ناشی از عیب قبلی و در نتیجه آن باشد، فروشنده ضامن است (ماده ۴۳۰ ق.م).

۴- ضوابط مطابقت کالا با قرارداد

۴-۱- ضوابط قراردادی تعیین مطابقت

منظور از ضوابط قراردادی، شرایطی است که در قرارداد در خصوص کالای مورد معامله تعیین شده است و از حیث مطابقت و عدم مطابقت کالا، با این شرایط سنجیده می‌شود.

ماده ۳۵ کنوانسیون در بند ۱ مقرر می‌کند که ابتدا باید شرایط قراردادی رعایت شود، یعنی آن دسته از خصوصیات کالا که به وسیله او صاف کمی و کیفی مقرر شده است. ماده ۳۵ مبنایی را می‌پذیرد که عدم مطابقت باید با رجوع به آنچه طرفین قصد کرده اند تعیین شود، مبنایی که از سوی نظامهای حقوقی متفاوت پذیرفته شده است.

شروط، ممکن است به طور صریح یا ضمنی از قرارداد تشخیص داده شوند. احتمالاً یک توافق ضمنی به ویژه در جایی که اشاره به استانداردهای صنعتی خاص می‌شود، وجود دارد شرایط قراردادی ممکن است به طور مشخصی مورد مذاکره قرار بگیرند و یا از استانداردهای (شرایط) خاص خریدار یا فروشنده نیز پیروی کنند برای مثال، آگهی های فروشنده که در آن به کیفیات خاصی از کالا اشاره می‌کند ممکن است به عنوان مبنایی برای تعیین مطابقت کالا با قرارداد به موجب بند (۱) ماده ۳۵ اتخاذ شود (Schlechtriem, 1980, p.276).

۴-۲- ضوابط غیر قراردادی تعیین مطابقت

۱- مناسب بودن کالا جهت استفاده معمولی

ماده ۳۵ در بند ۲ مقرر می‌کند که در صورت فقدان توافق مخالف، کالاها باید برای مقاصدی که معمولاً به کار می‌روند مناسب باشند. این اولین ضابطه ای است که کنوانسیون برای تعیین مطابقت کالا با قرارداد در صورت فقدان توافق قراردادی مورد استفاده قرار می‌دهد (Schlechtriem, 1980, P. 379). اگر کالا تنها برای برخی از اهدافی مناسب باشد که چنین کالاهایی به طور معمولی به کار می‌روند فروشنده باید از خریدار اهداف خاصی را که برای این کالاها مورد نظر است سؤال کند به گونه ای که خریدار بتواند از سفارش دادن امتناع کند (Garro, 1989, P.443).

به نظر برخی مؤلفین (تیموری، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۱۹)، کالا وقتی برای استفاده معمولی مناسب است که اطلاعات لازم و ضروری در خصوص چگونگی بهره برداری و استفاده صحیح و بهینه از کالا نیز به خریدار ارائه شود. در صورتی استفاده از کالایی احتیاج به به کارگیری دستورالعمل ها و راهنمایی های ویژه ای داشته باشد، فروشنده باید اطلاعات

ضروری در این که خصوص را به خریدار ارائه دهد و در غیر این صورت، کالا برای استفاده معمولی مناسب نخواهد بود.

۲- متناسب بودن کالا با هدف خاص اعلام شده از سوی خریدار

به موجب قسمت (ب) بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون کالا باید متناسب با هر نوع مقصود خاصی باشد که به نحو صریح یا ضمنی در زمان انعقاد قرارداد به آگاهی بایع رسیده است، مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که مشتری به مهارت و تشخیص بایع اعتماد نکرده یا اعتماد او به مهارت و تشخیص بایع، غیر معقول بوده است. لذا لازم نیست هدف خاص خریدار به طور صریح قسمتی از قرارداد تلقی شود، بلکه کافی است فروشنده از این هدف خاص اطلاع داشته باشد. بر اساس این ضابطه، فروشنده در صورتی مسئول مناسبت کالاها با اهدافی غیر از اهدافی که به طور معمولی به کار می روند می باشد که این هدف صریحاً با ضمناً به اطلاع او رسیده باشد.

هدف خاص باید به اطلاع فروشنده برسد، نیازی نیست راجع به این هدف توافق متقابل وجود داشته باشد. جمهوری آلمان فدرال در کنفرانس دیپلماتیک سازمان ملل متحد این طرح را پیشنهاد نمود که مناسبت برای هدف خاص تنها جایی رعایت شود که این موضوع جزئی از قرارداد باشد اما پیشنهاد مزبور مورد حمایت قرار نگرفت (Enderlein, ۱۹۹۶, p.157)

در حقوق ایران، اگر هدف خاصی در قرارداد تعیین شده باشد کالا باید با آن منطبق باشد و اگر بیان نشده باشد، صرف اطلاع فروشنده باعث مسئولیت وی نخواهد شد. چرا که وارد قصد و تراضی طرفین نشده است. بنابراین در حقوق ایران اطلاع ضمنی بایع از هدف خاص مورد نظر خریدار برای او تعهدی ایجاد نمی کند. اگر چه شاید با توجه به ملاک ماده ۱۱۲۸ ق.م.بتوان گفت در صورتی که شرط بنایی خریدار منطبق بودن کالا با و صف خاصی باشد و در حقیقت عقد متباین بر این شرط واقع شود بایع ملزم به رعایت آن است اگر چه صریحاً ذکر آن در عقد نشده باشد. اما در کنوانسیون صرف اطلاع بایع از مقصود خاص کافی است مگر اینکه به طور ضمنی بایع آن را از اوضاع و احوال استنباط کرده باشد.

۳- مطابقت کالا با نمونه و مدل

با توجه به قسمت (ج) بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون که مقرر می کند کالا باید واجد اوصاف کالایی باشد که بایع به عنوان مسطوره یا نمونه به مشتری ارائه نموده است، سومین ضابطه برای تعیین مطابقت کالا این است که کالای تحویل شده منطبق با اوصاف و کیفیات نمونه با مدل ارائه شده به خریدار باشد. ارائه نمونه یا مدل به خودی خود متضمن تعهد و قول فروشنده، نسبت به تدارک کالای نمونه و مدلی که به خریدار ارائه کرده است می باشد. لذا به معرض نمایش گذاشتن نمونه با مدل یک راه مسجلی است که فروشنده پیشنهاد خود را مشخص می کند (Swyneth, 1972, p.146).

اگر بین شرایط قرارداد و نمونه و مدل مغایرت وجود داشته باشد پاسخی که مفسرین کنوانسیون داده اند این است که قرارداد باید تفسیر شود و برای احراز کیفیات، قصد طرفین باید اولویت داشته باشد. لذا اگر فروشنده تایید کند که کالاها مناسب برای هدف خاصی بوده و خریدار نتواند با رجوع کردن به نمونه با مدل این اظهار را بررسی کند قسمت

(ب) بند ۲ ماده ۳۵ ابتدا اتخاذ می‌شود. اما اگر غرض از ارائه نمودن نمونه با مدل صرفاً مشخص کردن برخی از ویژگی‌های کالا باشد، فروشنده ملزم نیست کالایی تسلیم کند که به طور کامل و صددرد صد مطابق با نمونه یا مدلی باشد که به این منظور ارائه شده است. با این وجود، این قصد باید به طور صریح بیان شده باشد.

در فقه امامیه برخی فقها، بیع از طریق نمونه را باطل دانسته و معتقدند در این مورد فروشنده مالی را معین ننموده و توصیف نیز نکرده است. در واقع به علت مجهول بودن مبیع، بیع باطل است. در مقابل، مشهور فقها، بیع از روی نمونه را صحیح می‌دانند. قانون مدنی نیز در این خصوص از قول مشهور فقها پیروی نموده است، چنانکه ماده ۳۵۴ مقرر می‌دارد: «ممکن است بیع از روی نمونه بعمل آید، در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت. ماده ۴۱۲ نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعض دیگر را به وصف، یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعض مطابق وصف یا نمونه نباشد می‌تواند تمام بیع را رد کند یا آن را قبول نماید»

مبنای حق فسخ در اینجا خیار رؤیت و تخلف وصف است که با توجه به ماده ۴۱۴ قانون مدنی اختصاص به عین معین دارد، پس برخلاف نظر آن دسته از فقها که چنین بیعی را باطل می‌دانند مبیع در اینجا عین معین است و ارائه نمونه به منزله توصیف است که موجب برطرف شدن جهل می‌شود و در نتیجه هیچ دلیلی برای بطلان وجود نخواهد داشت (کاشانی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۳).

۵- انطباق مادی و حقوقی کالا در کنوانسیون و حقوق ایران

مفسرین کنوانسیون، مطابقت کالا با قرارداد را به دو دسته «مطابقت مادی» و «مطابقت حقوقی» تقسیم کرده‌اند. مطابقت مادی کالا با قرارداد، چنانکه از بند ماده ۳۵ برداشت می‌شود عبارت است از انطباق کالا با قرارداد از لحاظ مقدار، کیفیت و اوصاف. منظور از مطابقت حقوقی کالا با قرارداد نیز این است که بائع باید کالایی را تسلیم مشتری نماید که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث، بری باشد (اصغری آقمشهدی، اسکندری، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰). لزوم انطباق حقوقی کالا با قرارداد در ماده ۴۱ کنوانسیون آمده: «بایع باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث است، تسلیم نماید».

۵-۱- مطابقت مادی در حقوق ایران

^۱ علامه حلی، قواعد الاحکام، قم، رضی، بی‌تا، ص ۱۲۷ و تذکره، چاپ سنگی، ج ۱، المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی‌تا، ص ۴۶۷، عین عبارتی که علامه در قواعد الأحکام آورده این است: «ولو اراء انموذجة و قال بعثک من هذا النوع کذا بطل لانه لم یعین مالا ولا وصف ولا یقوم ذلک مقام الوصف فی السلم و مواصیح وجهی الشافعی لان التفظ الوصف یمکن الرجوع الیه عندالاشکال ولو قال بعثک الحنطة التي فی هذا البیت و هذا الا نمودج منها فان لم یدخل الا نمودج فی البیع لم یصح... و أن ادخله صح و عندي فی الفرق اشکال

^۲ محقق حلی، ایضاح الفوائد، ج ۱، چاپ اول، قم، کتابفروشی علمیه، ۱۳۸۷ ه ق، ص ۴۳۲، علامه حلی، نه‌ایة الأحکام فی معرفه الحرام، ج ۲، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ه ق، ص ۵۰۳. نامبرده در مورد بیع از روی نمونه چنین می‌فرماید: " والاقرب عندي الصحة أذالمشاهدة ابلغ في العلم من الوصف :

در حقوق داخلی و قانون مدنی، بحثی جداگانه در خصوص مطابقت مادی کالا با قرارداد نداریم اما با استنباط از سایر مباحث و مواد قانون مدنی می‌توانیم همین مفهوم را به دست بیاوریم. یعنی، در حقوق ما نیز کالا باید از حیث مقدار (کمیت)، جنس و وصف مطابق با آن چیزی باشد که در قرارداد ذکر گردیده است. البته در مبنای این الزام دو عقیده متفاوت وجود دارد.

برخی مؤلفین در توجیه این امر نوشته‌اند یکی از شرایط صحت عقد بیع معلوم بودن مورد معامله است و این معلوم بودن از حیث مقدار و جنس و وصف است (بند ۳ ماده ۱۹۰، ۲۱۶ و ۳۴۲ ق.م) به نحوی که عرف بگوید از آنان رفع جهالت و ضرر شده است و این امر ایجاب می‌کند آنچه به عنوان مبیع تسلیم می‌شود از حیث مقدار و از لحاظ جنس و وصف مطابق مفاد قرارداد بیع باشد (کیانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۷). برخی دیگر لزوم مطابقت کالا با قرارداد را تنها از مقررات مربوط به خیار عیب قابل استنباط می‌دانند و برخی نیز به مقررات مربوط به شرط صفت، خیار رؤیت و تخلف وصف و خیار عیب تمسک جسته‌اند (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۱).

الف- مطابقت از حیث مقدار

کالایی که تسلیم مشتری می‌شود می‌بایست از حیث مقدار برابر مقدار مذکور در قرارداد باشد. یکی از شرایط بیع صحیح این است که مقدار مبیع در نزد متبایعین معلوم باشد. ماده ۳۴۲ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است.

۱- عین معین:

هرگاه کالای فروخته شده عین معین بوده، فروشنده متعهد است که کالای فروخته شده را به همان وضعیتی که به هنگام تسلیم دارد به قبض مشتری در آورد. اگر چه در کمیت آن تغییری پیدا شده باشد، زیرا مبیع عین خارجی بر اثر قرارداد بیع به ملکیت خریدار درآمده است. به وجود آمدن تغییر باعث این نمی‌شود که این تعهد از او ساقط شود و این تغییرات باعث پیدایش تعهدی مبنی بر جبران مقدار کسری نمی‌شود. قانون مدنی در بخش بیع راجع به این مساله نص خاصی ندارد. اما در باب وفای به عهد در ماده ۲۷۸ چنین آمده است اگر موضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود.

۲- کلی در معین:

هرگاه مبیع کلی در معین باشد، فروشنده متعهد است که به مقدار مبیع از افراد کلی جدا کرده، و به مشتری تحویل دهد. لذا هرگاه مقدار تسلیم شده برابر با مقدار مذکور در عقد بیع باشد، ذمه فروشنده از این حیث بری می‌شود و تعهد فروشنده انجام یافته تلقی می‌گردد. حال اگر فروشنده مقدار کمتر از آنچه که در عقد مقرر شده است، تحویل مشتری دهد اگر به آن مقدار کسری در افراد شیئی متساوی الاجزا موجود باشد، در ابتدا مشتری حق فسخ ندارد و باید الزام فروشنده به جبران مقدار کسری را درخواست نماید.

۳- کلی فی الذمه:

هرگاه کالای فروخته شده کلی فی الذمه باشد، فروشنده مکلف است، مقدار کالایی که تسلیم می‌کند، برابر با مقدار مقرر در قرارداد یا عقد بیع باشد، و هرگاه بدین صورت عمل کرد، تعهد او انجام یافته تلقی می‌گردد. در حالتی که مبیع کلی فی الذمه باشد، ایفای تعهد به وسیله شخص ثالث بلا مانع است و این عمل موجب برائت ذمه بائع می‌گردد. ماده ۲۶۷ قانون مدنی می‌گوید «ایفای دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد و لیکن کسی که دین دیگری را ادا می‌کند اگر با اذن باشد حق مراجعه باو دارد والا حق رجوع ندارد. هرگاه مقدار تسلیم شده کمتر باشد، خریدار قادر است الزام فروشنده را به ایفای مقدار کسری از دادگاه بخواهد.

ب- مطابقت از حیث جنس

فروشنده مکلف است که کالایی را تسلیم مشتری نماید که از حیث جنس مطابق قرارداد بیع باشد. جنس عبارت است از جوهر یا ذات یا ماده اصلی مورد معامله، یکی از شرایط صحت بیع این است که موضوع آن معلوم باشد. و معلوم بودن موضوع اصولاً بستگی به این دارد که مبیع از حیث مقدار، جنس و وصف، معلوم باشد.^۳

۱- عین معین

هرگاه کالا عین معین باشد، فروشنده متعهد است که همان را به تسلیم مشتری در آورد نه چیز دیگری را. اگر فروشنده همان چیز را تحویل مشتری دهد ولی بعداً معلوم شود که فاقد جنس مورد نظر طرفین معامله بوده است. قطعاً این بیع به دلیل اشتباه در متعلق قصد یکی از طرفین معامله، باطل محسوب می‌شود.

لذا قصد یکی از ارکان تشکیل دهنده عقد می‌باشد. یا به عبارت دیگر آنچه که واقع شده، قصد نشده و آنچه که قصد شده، واقع نشده، ماده ۳۵۳ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد هرگاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است.»

۲- کلی در معین:

هرگاه کالایی را که فروشنده به خریدار تسلیم کرده است، تماماً یا بعضاً از جنس مبیع نباشد، او متعهد است تا آنجا که امکان دارد از سایر افراد شیئی متساوی الاجزاء جبران نماید.

چنانچه کالای کلی در معین که تحویل مشتری داده شده است، مطابق با آنچه که در عقد مقرر شده نباشد و تمام افراد شیئی متساوی الاجزا فاقد آن جنس باشند و معلوم شود که این عدم انطباق مربوط به زمان انعقاد عقد است، بیع باطل می‌باشد. و هرگاه تغییر جنس مربوط به بعد از آن و قبل از قبض باشد، در حکم تلف است و آثار تلف مبیع قبل از قبض بر آن بار می‌شود. اگر در میان افراد شیئی متساوی الاجزا به مقدار کافی موجود باشد، بائع باید آن را جبران کند؛ اما اگر الزام فروشنده امکان نداشت، مشتری نمی‌تواند نسبت به بعض مبیع تسلیم شده بیع را فسخ کند یا کلاً بیع را فسخ نماید. (ماده ۴۴۱ و ۴۲ قانون مدنی).

۳- کلی فی الذمه:

^۳ ماده ۳۴۲ قانون مدنی می‌گوید «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن بوزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلکه است»

هرگاه مبیع کلی فی الذمه باشد، فروشنده متعهد است که آنچه را که تسلیم می نماید، از حیث جنس مطابق با قرارداد بیع باشد. فروشنده با استناد به هیچ بهانه ای نمی تواند از ایفای تعهد خود امتناع ورزد، مگر آنکه ثابت نماید. هرگاه فروشنده بعضی از مبیع را که دارای جنس مذکور در عقد می باشد، به مشتری تحویل دهد، و دسترسی به بعضی دیگر غیر ممکن باشد، بیع نسبت به بعضی اول صحیح و نسبت به بعضی دیگر باطل می باشد. و برای مشتری خیار تبعض صفقه به وجود می آید. و بر طبق مواد ۱۴۴۱ و ۴۴۲ قانون مدنی عمل می شود.

ج- مطابقت از حیث وصف

برای تکمیل شدن تعهد مطابقت، فروشنده بایستی کالا را از حیث وصف هم مطابق با آنچه که در عقد مقرر شده است به خریدار تحویل دهد.

۱- عین معین:

هرگاه مبیع کالای عین معین باشد، فروشنده موظف است آن را به همان وضعیتی که در هنگام - تسلیم دارد، به قبض مشتری در آورد. اگر چه در کیفیت آن تغییری به وجود آمده باشد، اگر چه قانون مدنی ایران در مبحث بیع نص خاصی در این زمینه ندارد ولی در باب وفای به عهد در ماده ۲۷۸ چنین آمده است: اگر موضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب براءت متعهد می شود اگر چه کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد.

۲- کلی در معین:

هرگاه مبیع کلی در معین باشد، فروشنده باید به مقدار مبیع از افراد شیئی متساوی الاجزا که دارای اوصاف لازم است به مشتری تسلیم نماید. حال اگر درجه مرغوبیت افراد مجموع معین، متفاوت باشد، فروشنده مکلف به تحویل از نوع اعلای آن نمی باشد ولی فردی را که معیوب است را هم نمی تواند تحویل دهد. هرگاه آنچه را که فروشنده تحویل می دهد که بعضاً معیوب باشد، خریدار می تواند از دریافت آن خودداری نماید و از فروشنده درخواست نماید که مبیع سالم را تسلیم نماید. در صورتی که به مقدار کافی از افراد سالم موجود نباشد، برای مشتری خیار عیب به وجود می آید، ولی تا زمانی که به مقدار مبیع از شیئی متساوی الاجزا موجود باشد، مشتری خیار عیب ندارد.

۳- کلی فی الذمه:

هرگاه مبیع کلی فی الذمه باشد، فروشنده باید کالایی را تسلیم کند که دارای اوصاف مذکور در عقد بیع باشد. هیچ بهانه ای برای عدم ایفای تعهد قانع کننده نمی باشد مگر آنکه ثابت نماید که امکان تحصیل افراد کلی مطابق با عقد به طور متعارف میسر نمی باشد. ماده ۲۷۹ قانون مدنی می گوید: «اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی تواند بدهد.»

۵-۲- مطابقت مادی در کنوانسیون بیع بین المللی

منظور از مطابقت مادی کالا با قرارداد، مطابق بودن کالای تسلیم شده با شرایط مندرج در قرارداد از نظر کیفیت، کمیت، وصف و نیز بسته بندی یا ظرف بندی کالا می باشد (Honnold, 1980, P.276). مفهوم کیفیت، بایستی با توجه به

نحوه استفاده ای که معمولا از آن نوع کالا به عمل می آید و عندالافتضا با استفاده های خاصی که ممکن است در زمان انعقاد قرارداد به وسیله مشتری به اطلاع بایع رسیده باشد مورد ارزیابی قرار گیرد. از نظر مقررات حقوق بازرگانی بین المللی اگر در قرارداد، کیفیتی برای کالا مشخص نشده باشد، کالایی که تحویل داده می شود باید با آن گونه استانداردهای کیفی که عموما در قانون قابل اعمال بر قرارداد مقرر شده مطابق باشد. مقررات مذکور در نظامهای حقوقی مختلف یکسان نیست و از سویی همواره در قوانین مدون یافت نمی شود. شاید بتوان گفت به عنوان یک قاعده کلی کالایی که تحویل داده می شود به لحاظ کیفی باید متناسب با هدفی باشد که برای آن منظور فروخته شده است و یا متناسب با هدفی باشد که برای کالایی با آن اوصاف معمولا در نظر گرفته می شود (Bailey, 1999, P.35)

در مطابقت علاوه بر کیفیت، برابری با کمیت مقدار و اوصاف مقرر در قرارداد را نیز در برمی گیرد. علاوه بر این کالا بایستی مطابق با نمونه یا مدلی باشد که احتمالا از قبل به مشتری ارائه شده است. نهایتا، ظرف بندی یا بسته بندی کالا صریحا در ارزیابی مطابقت (مادی) کالا گنجانده شده است که با توجه به شمول شرایط تجاری شدن کالاهای تولیدی، خود یک نوآوری قابل توجیه است. در واقع به موجب قسمت (د) بند (۲) ماده ۳۵ «جز در مواردی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی شود، مگر اینکه: به ترتیب متعارف جهت این قبیل کالاها، یا در صورتی که ترتیب متعارفی موجود نباشد، به نحوی که بقا و سلامت کالا تامین شود، در ظرف گنجانیده یا بسته بندی شده باشد».

۵-۳- مطابقت حقوقی در حقوق ایران

ضمان درک، بیع عین مرهونه و تعلق حق انتفاع و ارتفاق به غیر از بایع در قانون مدنی ایران را می توان معادل عنوان عدم مطابقت حقوقی در کنوانسیون وین ذکر نمود. البته بایستی در نظر داشت که تفاوت هایی نیز بین این دو سیستم حقوقی از حیث قلمرو و ضمانت اجرا وجود دارد.

به موجب ماده ۲۹۰ «اگر بعد از قبض ثمن مبیع کالا با جزئا مستحق للغير درآید، بایع ضامن است اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد». در مورد معنای ضمان درک تعبیر متفاوتی از سوی مؤلفین حقوقی ارائه شده است. به عنوان مثال به عقیده کاتوزیان (۱۳۸۴ش، جلد ۱، ص ۱۰۶)، مقصود از ضمان درک این است که مورد معامله متعلق به شخص دیگری غیر از بایع درآید و به عبارتی معنی «درک ارتباط مالکیت به شخصی غیر از فروشنده است»، از نظر لنگرودی (۱۳۷۸ش، ص ۳۶۲)، «درک به فتح دال و راء» به معنی حقوق و تبعه است و در اصطلاح حقوقی از معنای لغوی دور نیفتاده و به مسئولیتی که برای بایع در مورد مستحق للغير در آمدن مبیع حاصل می شود، گفته شده است.

با جمع بندی تعاریف و نظرات ارائه شده به نظر می رسد مقصود از ضمان درک و مفهوم آن این است که هرگاه مبیع متعلق به شخص دیگری غیر از فروشنده در آید، فروشنده ضامن است، پولی را که بابت ثمن چنین کالایی گرفته است به خریدار برگرداند. خصوصا در تعریف از معنای ضمان به عنوان «ضمان معاوضی» اشاره شده است، قصد

^۴ مراجعه شود به ماده ۲-۳۱۴ قانون تجارت متحد الشکل ایالات متحده آمریکا، بند ۲C

طرفین از مبیع، تملیک ثمن و مبیع است و نتیجه طبیعی این امر این است که اگر در تملیک یکی از عوضین خللی فراهم شود، کفه متقابل آن نیز بلااثر خواهد شد و به این ترتیب اگر مبیع مستحق لغیر درآید از آنجایی که قابلیت تملیک خود را از دست می دهد، بایع نیز مستحق ثمن نبوده و در نتیجه اگر قبض شده باشد، باید مسترد گردد و اگر در زمان ثبوت استحقاق غیر در بیع، ثمن هنوز تحویل داده نشده باشد، الزام به تسلیم آن ساقط می شود و این نکته از ماده ۳۹۰ قانون مدنی قابل استفاده است (ابو عطا، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۰).

تفاوتی که در این گفتار بین مفهوم ضمان درک مبیع و مفهوم عدم مطابقت حقوقی با عیوب در مالکیت محسوس است این است که طبق تعریف کنوانسیون کالایی که بایع تسلیم می کند باید مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث و نیز ادعای ناشی از مالکیت صنعتی یا معنوی باشد، یعنی در یک گستره وسیع «هرگونه حق یا ادعایی را در بر می گیرد در حالی که قانون مدنی ما صحبت از حق عینی شخص ثالث، یعنی تعلق مالکیت مبیع به غیر می کند. (ماده ۳۹۰ قانون مدنی) این ماده در موردی که شخص ثالث حق انتفاع یا ارتفاق بر مبیع دارد اجرا نمی شود؛ بیع باطل نیست ولی خریدار ناآگاه طبق ماده ۵۳ ق م حق فسخ دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۴ ش، جلد ۱، ص ۸۹)، در حالی که کنوانسیون وجود این حقوق را نیز مشمول عدم مطابقت قرار می دهد.

۴-۵- مطابقت حقوقی در کنوانسیون بیع بین المللی

به موازات لزوم مطابقت مادی کالا، بر اساس اصول ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون، فروشنده متعهد است که کالایی را به خریدار تسلیم نماید که مصون از هر نوع «عیوب حقوقی» باشد. عیوب حقوقی که در اصول ۴۱ و ۴۲ ذکر شده اند عبارتند از حقوق و ادعاهای اشخاص ثالث و حقوق معنوی یا فکری.

۱- حقوق یا ادعاهای اشخاص ثالث

اصل ۴۱ کنوانسیون در مورد اولین نوع عیوب حقوقی تحت عنوان حقوق یا ادعاهای اشخاص ثالث نسبت به کالا مقرر می دارد. فروشنده باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث است تحویل دهد مگر اینکه خریدار موافقت کرده باشد کالایی را که موضوع حق یا ادعای شخص ثالثی است اخذ نماید. معهذ، هرگاه این حق با ادعای ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت های معنوی باشد، تعهدات فروشنده مشمول اصل ۴۲ می شود. اصل ۴۱ همانند اصل ۵۲ قانون متحدالشکل بیع بین المللی بوده و می گوید که کالایی که فروخته می شود می بایست نه تنها از حق شخص ثالث مصون باشد بلکه از ادعای اشخاص ثالث نیز مصون باشد. طبق اصل ۴۳ نیز هرگاه شخص ثالثی بر روی کالای فروخته شده ادعایی مطرح کند و خریدار اختطاری به فروشنده بدهد و در آن اختطار از ماهیت و وضعیت ادعای شخص ثالث مطلع شود، وظیفه فروشنده است که تضمین نماید ادعا مرتفع یا مغلوب گشته در غیر این صورت وی ناقض قرار داد محسوب خواهد شد. ضمناً اصل ۴۳ کنوانسیون در این رابطه نیز مقرر می کند که اگر خریدار پس از آنکه از حق یا ادعای شخص ثالث آگاه شده یا می بایست آگاه می شد، اختطاری که مبین نوع حق و ادعای مذکور است را در مدت متعارفی به فروشنده ندهد، حق استناد به مقررات اصول ۴۱ یا ۴۲ را از دست خواهد داد.

۲- حقوق معنوی یا فکری

اصل ۴۲ کنوانسیون در باره حقوق معنوی یا فکری مقرر می‌دارد. (۱) فروشنده باید کالایی را تحویل دهد که از هر گونه حق یا ادعای شخص ثالث ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی که در زمان انعقاد قرار داد از آنها مطلع بوده یا نمی‌توانسته است نسبت به آنها بی‌اطلاع باشد، مصون باشد، این وظیفه فروشنده محدود است به حق یا ادعایی که ناشی از مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی باشد که بر طبق قوانین ذیل شناخته شده است: (الف) - اگر طرفین هنگام انعقاد قرارداد فروش مجدد کالا، یا استفاده از آن که به نحو دیگری در آن واقع می‌شود؛ یا (ب) در سایر موارد، قانون کشوری که خریدار در آن محل تجاری دارد.

از منظر حقوقی، راه حل‌هایی توسط کنوانسیون در اختیار مشتری گذاشته شده است و ضمانت‌هایی از بابت اجرای تعهدات فروشنده در نظر گرفته شده است. مواردی همچون: اجرای اجباری عین تعهد (اصل ۴۶)، تعویض کالا (ماده ۲ اصل ۴۶)، تعمیر کالا (ماده ۱۳ اصل ۴۶)، ارائه مهلت اضافی (اصول ۲۷ و ۴۷)، تقلیل ثمن (اصل ۵۰) و نهایتاً فسخ قرارداد (ماده ۱ فصل ۴۹) می‌باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری:

نتایج این تحقیق نشان می دهد که به موجب مقررات کنوانسیون مفهوم مطابقت کالا با قرارداد در دو حیطه جداگانه مطابقت مادی و مطابقت حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. مطابقت مادی به انطباق کالای تسلیم شده با مقدار، جنس و وصف و شیوه ظرف بندی مقرر در قرارداد دلالت می نماید. منظور از مطابقت حقوقی کالا با قرارداد نیز این است که بائع باید کالایی را تسلیم مشتری نماید که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث، بری باشد.

در حقوق ایران تسلیم مبیع مطابق با قرارداد از حیث کمیت بر حسب اینکه موضوع انتقال عین معین باشد یا کلی، شرایط و ضمانت اجراها متفاوت است در حالیکه کنوانسیون به طوری کلی قاعده ای مقرر نموده است، عدم مطابقت در کیفیت مبیع و عدم مطابقت در اوصاف مبیع در حقوق داخلی بر حسب مورد موجب ایجاد خیار تبعض صفتقه به دلیل تخلف مبیع از جنس مورد نظر و یا خیار تخلف وصف خواهد شد. از اینرو در حقوق داخلی، بحث مطابقت مادی کالا با قرارداد را بایستی در بحث خیارات جستجو نمود. در صورت سکوت قرارداد در خصوص کمیت، کیفیت و نحوه بسته بندی کالا (شرایط قراردادی)، کنوانسیون ضوابطی تکمیلی و غیر قراردادی را برای تعیین مطابقت کالا با قرارداد مقرر نموده است که در صورت عدم مطابقت کالا با این ضوابط، بائع را مسئول می داند. البته به موجب مقررات کنوانسیون برای اینکه فقدان مطابقت مادی کالا با قرارداد سبب مسئولیت بائع شود وجود یک سری شرایط ماهوی نیز ضروری میباشد.

در حقوق ایران اگر هدف خاصی در قرارداد تعیین شده باشد کالا باید با آن منطبق باشد و اگر بیان نشده باشد صرف اطلاع فروشنده باعث مسولیت وی نخواهد شد، مگر طبق ماده ۲۲۱ ق.م بائع تعهد به وجود کیفیت مورد نظر خریدار نموده باشد و یا اینکه عرفا چنین تعهدی برای بائع ایجاد گردد. ضمناً کالای تسلیمی باید دارای اوصاف کالایی باشد که بائع به عنوان مسطوره یا نمونه به مشتری ارائه نموده است، در حقوق ایران نیز طبق ماده ۲۵۴ و ۴۱۲ اگر بیع از روی نمونه بعمل آید باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود؛ والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت.

طبق مقررات کنوانسیون، مشتری موظف به انجام اقداماتی است تا بتواند از حق جبران خسارت خود به دلیل عدم مطابقت استفاده نماید. مشتری بدو باید کالا را بررسی نماید، طبق ماده ۳۹ ظرف مدت متعارفی بعد از اینکه خریدار عدم انطباق را کشف نمود یا می باید کشف می کرد، باید یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم انطباق جهت بائع ارسال نماید. در حقوق ایران در بحث خیار عیب این قاعده وجود دارد که مشتری پس از علم به آن باید فوراً اقدام به اعمال خیار عیب نماید.

کنوانسیون برای عدم مطابقت کالا با قرارداد، ضمانت اجراهایی نظیر: ۱- اجرای اجباری عین تعهد ۲- تسلیم کالای جانشین، ۳- تقلیل ثمن ۴- مطالبه خسارت ۵- فسخ قرارداد، مقرر نموده است که اجرای اجباری عین تعهد و تسلیم کالای جانشین را در حقوق داخلی در خصوص مبیع کلی و حتی اجازه فسخ قرارداد را نیز در موارد متعددی در حقوق ایران مشاهده می نمائیم.

از منظر مطابقت حقوقی کالا با قرارداد در کنوانسیون این برداشت حاصل شد که کالای تسلیمی باید مصون از هرگونه حق با ادعای شخص ثالث باشد و علاوه بر این از هرگونه حق با ادعای شخص ثالث که ناشی از مالکیت صنعتی یا هرگونه مالکیت معنوی باشد نیز مصون باشد (مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون) که بیانگر بحث ضمان درک مبیع در حقوق داخلی است. گرچه حیطة و قلمرو مطابقت حقوقی در کنوانسیون و ضمان درک در حقوق ایران تفاوتی با یکدیگر دارند. در کنوانسیون در اعمال قاعده مزبور فرقی بین مبیع عین معین و کلی در ذمه وجود ندارد، در صورتی که کالای تسلیمی موضوع حق یا ادعای شخص ثالث باشد؛ مشتری می تواند به یکی از ضمانت اجراهای ذیل متوسل شود: اجرای عین تعهد، مطالبه خسارت، تقلیل ثمن و فسخ قرارداد البته، با رعایت در صورتی مسئول است که مشتری جاهل به عدم مطابقت بوده و ظرف مدت متعارف و معقولی عدم مطابقت را به اطلاع بایع برساند. اگر بایع شرط عدم مسئولیت کند، شرط مزبور صحیح است.

لذا با توجه به مطالب بیان شده چنین به نظر می رسد که وجوه اشتراک حقوق داخلی با کنوانسیون بیشتر از جنبه های اختلاف انگیز و موانع آن بوده و با اندکی مطالعه و تدبیر میتوان هماهنگی و همسویی بیشتری با رویه های جهانی حاصل نمود. لذا اگر قرار باشد که روزی تجارت خارجی ایران گسترش بیابد، چه در صادرات و چه در واردات مجبوریم که قواعد بازی بین المللی را رعایت نموده و با رویه های حقوقی جهانی نیز هماهنگ و همسو شویم. لذا پیشنهاد میشود که با پذیرش کنوانسیون و تبدیل آن به قسمتی از مقررات داخلی، ضمن کاهش هزینه های مرسوم، به اصلاح و نوکردن قانون مدنی (در بحث بیع) کمک نموده و به ارتقای نظام حقوقی ایران در بحث تجارت که نیازمند اصلاحات ساختاری است نیز کمک نمائیم.

- امامی، سید حسن (۱۳۷۳). حقوق مدنی، ج ۱، انتشارات اسلامی، تهران.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین، اسکندری، فرشته. (۱۳۸۸) «مطابقت حقوقی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، حقوق مدنی تطبیقی، به قلم گروهی از نویسندگان، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین. (۱۳۸۱). خسارت ناشی از عدم مطابقت کالا با قرارداد (مطالعه تطبیقی کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- تیموری، مهدی. (۱۳۷۹). تعهد دادن اطلاعات از فروشنده به خریدار در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- صفایی، سید حسین و همکارانش. (۱۳۹۷). حقوق بیع بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). « قواعد عمومی قرارداد ها » ج ۱، انتشارات شرکت انتشار، چاپ چهارم.
- کاشانی، محمود (۱۳۸۱). پلی کپی درس حقوق مدنی: عقد بیع، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۱.
- کیانی، عبدالله. (۱۳۷۶). التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران.
- جعفری لنگرودی جعفر (۱۳۷۸). مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ اول، گنج دانش، تهران.
- محمد، ابوعطا. (۱۳۸۷). مبیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مافی، همایون و دیگران. (۱۳۹۴). ترجمه کتاب: حقوق متحدالشکل بیع بین المللی کالا نوشته جان. او. هالند، چاپ مجمع علمی و فرهنگی مجلد، چاپ دوم.
- علامه حلی، قواعد الاحکام، قم، رضی، بی تا، ص ۱۲۷ و تذکره، چاپ سنگی، ج ۱، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، بی تا، ص ۴۶۷، عین عبارتی که علامه در قواعد الأحکام آورده این است: «ولو اراء انموذجة و قال بعتک من هذا النوع کذا بطل لانه لم یعین مالا ولا وصف ولا یقوم ذلک مقام الوصف فی السلم و مواصح و جهی الشافعی لان التفظ الوصف یمکن الرجوع الیه عند الاشکال ولو قال بعتک الحنطة التي فی هذا البيت و هذا الا نموذج منها فان لم یدخل الا نموذج فی البیع لم یصح... و أن ادخله صح و عندی فی الفرق اشکال.
- Bailey, J. E. (1999). Facing the Truth: Seeing the Convention on Contracts for the International Sale of Goods as an Obstacle to a Uniform Law of International Sales. *Cornell Int'l LJ*, 32, 273.
- schlechtriem, Peter (1980). Uniform Law for International sale Under the 1980 United Nation Convention zed, Boston, Kluwer.
- Enderlein, Fritz (1996). Rights and obligation of the seller under UN Convention on contract for the International sale of Goods in Sarcevic & Volkened, International sale of Goods: Dubrovnik Lectures, oceana, P. 157.
- Roberts (swyneth), (1972). Commercial and Industrial law, Londen, 2 th Ed, p.146.

Honnold, John (1980). Uniform Law for International sale Under the 1980 United Nation Convention zed ,Boston,Kluwer, p300, Peter schlechtriem, Ibid,p276.